

متن پرسش

سلام علیکم: چرا رهبری انقلاب و مراجع تقلید از بی عدالتی در جامعه جلوگیری نمی‌کنند و فقط به تذکر دادن و بیانیه اکتفا می‌کنند؟ از زنجان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: رهبر نظام اسلامی به عنوان زعیم یک جامعه تلاش دارد مردم را به آن نوع آگاهی برساند که خودشان دوست‌دار عدالت باشند، به جای این‌که برای هرکس پلیسی قرار دهند. باسمة تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که قرآن قیام به قسط و عدالت را در زیر دستورات الهی به عهده‌ی مردم گذاشته است. در سوره‌ی حدید آیه‌ی ۲۵ می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ». به راستی پیامبران خود را با بیانات روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و میزان را فرود آوردیم تا مردم به قسط برخیزند و حدید را که در آن سختی زیاد و سودهایی برای مردم است نازل کردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی او و پیامبرانش را به غیب یاری می‌کند، آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا» یعنی ارسال رسول با تدبیر الهی بوده و می‌گوید «ما» فرستادیم تا نظر را متوجه خداوند و کارگزاران الهی کند. اینان رسولان را فرستادند تا آن‌ها به جای خدای نامحدود بتوانند عمل کنند. «بِالْبَيِّنَاتِ» با چیزی رسولان را فرستادیم که هم خودش روشن است و هم روشنی بخش و روشن‌گر است و طرف مقابل هم از این سخنان بهره می‌برد زیرا تنها برای خود رسول روشن نبوده، قدرت روشن‌گری هم دارد و طرف مقابل که با آن بیانات روبه‌رو شود مطالب زیادی برایش روشن می‌شود - حتی معجزات هم نمونه‌هایی از بیانات‌اند- و این شیوه عمومی کسانی است که صاحب رسالت‌اند، چه انبیاء یا جانشینان آنها و شیوه‌هایی که این بزرگان از آن استفاده می‌کنند امور بین‌اند و از همه راه‌های بین استفاده می‌کردند.

گویی پیامبران وارد فضای تاریکی شده‌اند که انسانها در آن فضا خودشان را هم نمی‌بینند و نمی‌شناسند و پیامبران آمده‌اند تا با بیانات خود، تعریف جدیدی از خود بیابند تا شرایط تغییر کند و از تاریخ جاهلیت که نه در آن ابدیت برای انسان مطرح بود و نه استعداد رسیدن به قرب الهی برای انسان معنا داشت، به تاریخ دیگری وارد شوند که دستور عمل‌های خاص خود را دارد لذا می‌فرماید:

«أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ» با پیامبران کتاب و میزان نازل کردیم تا آنهایی که در کنار پیامبران قرار می‌گیرند از آن بهره‌مند شوند. بحث «انزال» را به میان می‌آورد که پایین‌آوردن است نه یاددادن به پیامبر، زیرا این دستورات، باطنی معنوی دارند و نازل شده‌اند تا برای مردم قابل فهم باشد. «میزان»، آن قدرت تشخیصی است که چگونه از کتاب و دستورات الهی استفاده کنیم و این هم با پیامبران نازل می‌شود و در رابطه با میزان، انسان‌ها وزن هر دستوری را تشخیص می‌دهند تا آن‌جا که اگر دو دستور معارض هم‌دیگر شدند می‌فهمند وزن و اهمیت هر کدام چه قدر است و کدام را باید بر کدام حاکم کرد. چنین تشخیصی با پیامبران نازل می‌شود و هر آن کس که در کنار پیامبران قرار گیرد از چنین توانایی بهره‌مند می‌شود و گرفتار تاجر نمی‌گردد. [۱] در ادامه می‌فرماید: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» برای آن که مردم جهت اقامه‌ی قسط به‌پا خیزند. هدف اول ارسال رسولان قیام به قسط است تا مردم خودشان به‌پا خیزند نه آن‌که پیامبران به هر قیمتی اقامه‌ی قسط کنند، اگر مردم خواستند خودشان قیام کنند و درگیر موضوع شوند تا اولاً: جبهه‌ی مقابل خود را بشناسند. ثانیاً: بدانند برای اقامه قسط باید خود هزینه کنند و پیامبران شرایط چنین انتخابی را فراهم نمودند و آنها را از انتخابهای خطا آزاد کردند و موفقیت در این امر مربوط به مردم است که اقدام بکنند یا نکنند. پس وقتی در روایت داریم: «ارتد الناس بعد رسول الله الا ثلاثه» [۲] بعد از رسول خدا (ص) همه به نحوی منحرف شدند مگر سه نفر، باید بگوییم مردم کوتاهی کردند یا رسول خدا؟ در حالی که رساندن کتاب و میزان به عهده‌ی پیامبران بود و قیام به قسط به عهده‌ی مردم می‌باشد.

مردم باید تلاش کنند خود را در تاریخی که شروع شده شکل دهند و این‌جا است که مافوق عدالت، آزادی به میان می‌آید و نباید با هر شیوه‌ای به اهداف خود رسید و آزادی انسانها را زیر پا گذاشت و به همین جهت علی (ع) حاضر نیستند مثل معاویه با زیر پا گذاردن آزادی مردم، عمل کنند و به هر قیمتی به اهداف خود برسند.

در معنای «قسط» باید متوجه ضد آن یعنی «جور» شد که به معنای دادن حق یکی به دیگری است هر چند خودش هم راضی باشد [۳] پس قسط یعنی حق کسی را دادن و دین آمده تا حقوق در همه جا و در همه چیز رعایت شود. هدف در حرکت انبیاء آن است که مردم به شعوری برسند که حقوق هر چیزی و هر کسی رعایت شود و در این راستا به پا خیزند تا مقسط شوند و قاسط مقابل این هدف قرار دارد و تلاش دارد این اتفاق نیفتد - مثل معاویه - . در ادامه می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» و حدید را فرو فرستادیم که در آن سختی زیادی هست و منافی برای مردم دارد. در چنین شرایطی که مقسطین یک طرف ایستاده‌اند و قاسطین در طرف دیگر، دستوراتی با شدت و جدتی خاص نازل شده که منجر به قتال و مبارزه می‌شود [۴] که در آن سختی شدیدی هست. بعد از آمدن بیّنات، در مقابل آدمهایی که حق برایشان روشن شده و جلو فهم خود ایستاده، برخورد‌های شدید در میان می‌آید. نمونه نزول برخورد شدید دستوری است که می‌فرماید: «جاهد

الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ» که به رسول خدا (ص) دستور داده با کفار و منافقین مقابله کند، این به معنای آن بود که حضرت با منافقین جنگ کنند، بلکه به معنای همان برخورد سختی است که حضرت با آنها داشتند و این شدت و حدّت نیز نازل شده و ریشه‌ی الهی دارد.

اگر آن برخوردهای سخت انجام شود، منافعی نیز برای مردم دارد و مردم در انتخاب خود گرفتار راهی نیستند که دشمنان دین در مقابل آنها شکل داده اند و نمی‌گذارند مردم به آنچه فهمیدند و اعتقاد دارند عمل کنند.

هدف از ارسال رسولان را یکی قیام مردم به قسط مطرح کرد و دیگر «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» با توجه به واژه‌ی «عَلِمَ» که هم به معنای دانستن است و هم به معنای نشانه گذاری، می‌توان در معنای آیه گفت: رسولان را با آن لوازم فرستادیم تا خداوند نشانه بگذارد که چه کسی او و رسولانش را بالغیب یاری می‌کند، یعنی وقتی رسول در صحنه نیست و با رحلت خود غایب شده است، اینان آن مؤمنین واقعی هستند که به شخصیتها حتی به شخصیت رسول هم بند نیستند و در غیبت رسول هم او را با پیروی از سنت اش یاری می‌کنند. اینان آنهايي اند که خداوند نشانه های خاصی برایشان قائل است و تأکید بر اهمیت مؤمنین آخرالزمان نیز در این راستا می‌تواند باشد و این که فرمود خدا را یاری کنید از جهت ضعف خداوند نیست زیرا که او قوی و عزیز است، بلکه برای آن است که بندگان زندگی را با آزادی برای خود شکل دهند.

خلفا و جانشینان واقعی رسولان همان شأنی را دارا می‌باشند که رسولان دارا هستند و در این رابطه وقتی به حضرت صادق (ع) بنگریم می‌بینیم که چگونه وظیفه خود می‌دانسته اند به هر شیوه ممکن و در زوایای مختلف ارائه بیّنات کنند و شما با امامی روبروئید که می‌خواهد مردم را از تاریکی‌ها نجات دهد و با کودتا در مقابل حاکمان این مشکل حل نمی‌شود بلکه با تربیت شاگردان و گسیل آنها به اقاصا نقاط جهان اسلام این ممکن محقق می‌گردد. موفق باشید

[۱] - در این مورد به کتاب «درسهای از انقلاب» از مرحوم صفایی حائری رجوع شود.

[۲] - ریاض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، ج ۳، ص: ۱۲۱

[۳] - بعضی از یاران علی (ع) در ابتدای حاکمیت آن حضرت از حضرت خواستند حقوق آنها را به امثال مروان حکم بدهند تا از فتنه دست بردارند و حضرت فرمود آیا نصرت و پیروزی را با جور به دست آورم؟

[۴] - هر چیزی که دارای شدت و حدّت است، حدید می‌گویند.

